

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۸۵ / سال هشتم / دی ماه ۹۸ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



نان، جان داد!





ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۷۹ تیر ماه ۱۳۹۸ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۹

نان، جان داد! ص ۲۶

بیمه دانا و کارگران ذوب آهنی! ص ۲۸

ماجرای صندوق صنعت نفت بعد از تشکیل! ص ۲۹

تعاونی مصرف یا هاپیرمارکت؟ ص ۳۱

اخلاق کارگری ص ۳۲

معرفی کتاب ص ۳۵

تلخ و شیرین های کارزم عاشقی ص ۳۷

شعر کارگری ص ۳۸

۱۵۰هزار میلیارد فراری از مالیات ص ۳۹

راستی زندگی بعضی وقت ها چه مفهومی دارد؟ ص ۴۱

ویژگی سیاسی سرمایه مالی ص ۴۳

دست ها از اندوخته کارگران کوتاه! ص ۴۶

آبر بدهکاری در آسمان تامین اجتماعی ص ۴۷

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران آموخته ص ۴۸

۴ ماه تلاش زیست محیطی! ص ۵۰

زمین زیر سیگاری نیست ص ۵۱

چرا سندیکاهای کارگری با تئولیر ایسم مخالفند؟ ص ۵۲

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌ها

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دوزبانه سندیکای

کارگران فلز کار مکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

فراخوان تجمع مطالباتی

همکاران محترم بازنشسته

بار دیگر جهت پیگیری و دستیابی به حقوق حقه خود روز دوشنبه ۲/۱۰/۹۸ ساعت ۱۰ صبح مقابل مجلس گرد هم می‌آییم. ما چه می‌خواهیم :

۱ - پیاده سازی قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی

۲ - دریافت مستمری ای که گذران یک زندگی انسانی را تأمین کند

۳ - بهداشت و درمان رایگان

۴ - شفاف سازی عملکرد مالی صندوق های بازنشستگی

۵ - نظارت بر صندوق های بازنشستگی توسط بیمه شدگان و بازنشستگان

۶ - پرداخت بدهی ۲۲۰ هزار میلیاردی دولت به صندوق های بازنشستگی

و... همچنین اعلام می‌داریم ما با اتحاد و همبستگی با تمامی شاغلان و بازنشستگان حول مطالبات مشترک و ایستادگی در برابر تحمیل شرایط مرگ تدریجی، با برگزاری تجمع و سایر شیوه های اعتراضی تا تحقق مطالبات قانونی و مسلم خود پیگیر خواهیم ماند.

وعده ی دیدار ما روز دوشنبه ۲/۱۰/۹۸ ساعت ۱۰ صبح، مقابل مجلس

بازنشستگان بافنده سوزنی

بازنشستگان فلزکارمکانیک

۳۰ آذر ۱۳۹۸

اتحاد رمز پیروزی است!



با توجه به فراخوان های داده شده توسط تشکل های مختلف بازنشستگان و همچنین بازنشستگان فلزکار مکانیک و بافنده سوزنی امروز دوم دیماه ۹۸ ساعت ۱۰ صبح جمعیتی حدود ۱۰۰ نفر بازنشسته جلوی مجلس شروع به تظاهرات نمودند. ابتدا مأمورین از ورود به جلوی مجلس جلوگیری نمودند زیرا جانبازان نیز برای خواسته های صنفی منجمه درآمد و درمان جلوی مجلس جمع شده بودند. سپس اجازه دادند که بازنشستگان هم جلوی مجلس بروند. شعار ها مثل سابق معیشت و درمان رایگان و به زیر خط فقر کشاندن زحمتکشان و خصوصی سازی آموزش و تبعیض فاحش در جامعه بود. بازنشستگان فریاد می زنند: « فریاد، فریاد، از این همه بی داد » آیا گوش شنوایی هست؟ بازنشستگان فلزکار مکانیک و بافنده سوزنی که با دست نوشته هایی در مورد عدم اجرای «قانون ساختار جامع رفاه و تامین اجتماعی» خواستار اجرای هرچه سریعتر «قانون ساختار جامع رفاه.....» شدند.

خانم تاج الدین نماینده اصفهان و عضو کمیسیون کارگری مجلس در بین جمعیت حضور یافت و گفت که مجلس هماهنگ سازی حقوق بازنشستگان با شاغلین را تصویب کرده ولی بودجه وجود ندارد که بارها صحبتش توسط شنوندگان قطع شد که معترض بودند. نمایندگان بازنشسته فلزکارمکانیک با ایشان به داخل مجلس رفته و درباره قانون ساختار جامع رفاه و تأمین اجتماعی و مشکلات بازنشستگان توضیحات لازم را دادند و در ضمن شماره فاکس ایشان اخذ شد، جهت طرح و ارائه راهکار برای غلبه بر مشکلات صندوق های بازنشستگی از جمله طرح درمان کارآمد.

در این گردهمایی بازنشستگان فلزکارمکانیک با توزیع فصلنامه امید، نشریه بازنشستگان فلزکارمکانیک، مورد استقبال بازنشستگان قرار گرفتند.

در ادامه مراسم قطعنامه خوانده شد. با خواندن سرود ای ایران مراسم پایان یافت. شعارهای داده شده در این مراسم به شرح زیر است:

معلم زندانی آزاد باید گردد - زندانی سیاسی آزاد باید گردد - این همه بیعدالتی / هرگز ندیده ملت - تاحق خود نگیریم / از پا نمی نشینیم - نان، درمان، معیشت، حق مسلم ماست - کارگر، دانشجوی زندانی آزاد باید گردند - سراسر ایران زندان زحمتکشان - فلاکت، فقر، اعتراض اعتراض

شرکت کنندگان قول دادند که برای پیگیری خواسته هایشان مصمم هستند و در آینده به تظاهرات ادامه خواهند داد.

تحریریه پیام سندیکا

۹۸/۱۰/۳

یلدا بر بهبود خواهان، زحمتکشان و صلح دوستان شادباش!



یلدای ستم شکسته بادا

روز همگان خجسته بادا

زنجیر ستم ز پای ملت،

با وحدت ما گسسته بادا

یلدا بر بهبود خواهان، زحمتکشان و صلح دوستان شادباش!

یلدای امسال را با اندوهی گران به پیشواز می رویم. یلدایی بدون فرزندان معترض به زندگی رقت بار و مادران و پدران دغدار. یلدایی که در پس آن صبحی روشن خواهد رسید. به یادشان شمعی خواهیم افروخت تا روشنایی بخش یلدایمان باشند.

شب یلدا به کام همه شیرین. از زحمتکشانی که در عرصه تولید کار می‌کنند تا کارتن خواب و گورخوابی که در سوز سرمای امشب به دنبال جان پناهی است.

یلدا بر پرستارانی که جان انسان‌ها را نجات می‌دهند و بر زنان تن‌فروشی که سیستم اجتماعی حاکم، آنان را وادار به تن‌فروشی کرده است تا نانی به خانه ببرند، نیز شاد.

یلدا بر رانندگانی که در جاده‌ها آواره نانی هستند و کودکان کاری که در خیابان و کارگاه‌های کوچک استثمار می‌شوند تا نانی به خانه ببرند نیز، شیرین.

یلدا بر استادان و آموزگارانی که شب را کنار می‌زنند تا صبحی روشن را آشکار کنند نیز چون آب گوارا.

یلدا بر شب‌شکنان پشت دیوارهای زندان که صبح را در اتحاد خلق می‌بینند، شاد.

یلدا بر کودکان گل فروش، همچون گل و نوازندگان خیابانی که سازشان شادی برای انسانها به ارمغان می‌آورد ولی سرما بر جانیشان مستولی می‌گردد، چون نان گرم لذیذ.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، یلدای باستانی را به عموم مردم ایران شادباش گفته شبی پر از شادی و گرمی خانه‌ها را با خنده‌های کودکان در این روزگار سخت برایتان آرزومندست.

فرزندانمان را از یاد نخواهیم برد و برای آنچه آنان از جان گذشتند، خواهیم کوشید.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۳۰ آذر ۱۳۹۸

آن که او امروز در بند شماست، در غم فردای فرزند شماست!

در پی ناتوانی سیاستهای بازدارنده ی حاکمیت جهت جلوگیری از خیزش مردم جان بر لب رسیده از گرانی معیشت و فساد سیستماتیک حاکم و همچنین برای به شکست کشاندن رفتار مدنی مبتنی بر قانون سندیکاهای کارگری، این نمایندگان واقعی زحمتکشان، پلیس سیاسی اقدام به صدور احکام سنگین حبس و احضار کوشندگان کارگری نموده است.

با احضار ۱۶ تن از کوشندگان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و دادن ۵ سال حکم حبس به علی نجاتی، اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، از کوشندگان سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و احضار تلفنی حمید شرقی و دستگیری منوچهر سراج به مدت ۲ روز، از کوشندگان سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، دور جدید تحت فشار قراردادادن کوشندگان سندیکاهای کارگری ایران آغاز گردیده است. اما این سیاست مرعوب کردن به اینجا ختم نشده و گریبان دوستداران کوشندگان کارگری را نیز گرفت. سپیده قلیان، امیر امیرقلی، امیرحسین محمدی فرد، ساناز الهیاری، عسل محمدی، عاطفه رنگریز و مرضیه امیری را نیز به ۵ سال زندان محکوم کردند.

سالهست سیاست مرعوب کردن کوشندگان کارگری و مدنی در دستور روز پلیس سیاسی می باشد. آنچه بی تردید متوقف نخواهد شد اعتراض به وضعی است که سیاست های ضد کارگری صندوق بین المللی پول ایجاد کننده آن است.

ما ضمن محکوم کردن این احضارها بازهم خواستار آزادی جوانان به جان رسیده از این همه نابسامانی و عذرخواهی از خانواده های جانباختگان و زندانی شدگان حوادث اخیر هستیم.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

بیانیه کنفدراسیون سندیکایی جهانی اینداستریال (IndustriALL) در همبستگی با مردم ایران



سرکوب وحشیانه اعتراضات در ایران منجر به کشته شدن دست کم ۲۵۰ نفر، زخمی شدن ۳۷۰۰ نفر و دستگیری حداقل ۷۰۰۰ نفر شده است.

این اعتراضات از تاریخ ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان)، به دنبال افزایش قیمت سوخت که دولت یک شبه سه برابر کرد، آغاز شد. آنچه به عنوان اعتراض اقتصادی آغاز شده بود، به سرعت به مجموعه گسترده‌ای از تظاهرات علیه فساد و سوء مدیریت دولتی تبدیل شد.

دولت با سرکوب وحشیانه، تیراندازی و ضرب و شتم معترضین واکنش نشان داد. بسیاری از کشته شدگان جوانانی بودند که گفته می‌شود توسط تک تیراندازها مورد هدف قرار گرفته‌اند. معترضین متعاقباً اقدام به برپایی موانع و سنگرسازی در معابر کرده و چندین بانک، ساختمانهای دولتی و سایر نمادهای رژیم را به آتش کشیدند. رییس‌جمهور حسن روحانی، ایالات متحده و سایر عناصر خارجی را مسوول سازماندهی اعتراضات دانست.

رژیم ایران با مسدود کردن اینترنت از تاریخ ۱۶ تا ۲۷ نوامبر، دستیابی به اطلاعات دقیق را دشوار ساخت. به همین دلیل، اینداستریال قادر به برقراری تماس با عضو ایرانی خود، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران (UMMI) نبود. اینترنت در روز چهارشنبه این هفته ترمیم شد.

اینداستریال با ابراز همبستگی در این دوران تاریک سرکوب، از مردم ایران در مبارزه خود برای صلح، حقوق انسانی و دموکراتیک و عدالت اجتماعی و اقتصادی حمایت می‌کند.

اینداستریال از دولت ایران می‌خواهد که:

- ۱- به معترضین بازداشتی اجازه دسترسی به پرسنل پزشکی و معالج و همچنین وکیل مدافع داده شود
- ۲- فوراً همه معترضین بازداشتی از تاریخ جمعه ۱۵ نوامبر ۲۰۱۹ را آزاد کند
- ۳- منشاء خشونت علیه معترضین - به ویژه دستور "شلیک به قصد کشت" شناسایی شود
- ۴- تعداد دقیق و هویت معترضین کشته شده، زخمی و بازداشتی در روزهای گذشته اعلام گردد.

کنفدراسیون سندیکایی جهانی اینداستریال

۲۹ نوامبر ۲۰۱۹ مطابق با ۸ آذر ۱۳۹۸

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- به کارگران در شرکت توسعه صنعت لنجان چه می گذرد؟

بلا تکلیفی ۴۵۰ کارگران پیمانی کارگاه تعمیرات سنگین ۵۱ کارخانه ذوب آهن اصفهان از موضوعاتی است که کارگران را با مشکل روبرو کرده است.

کارخانه ذوب آهن اصفهان به دلیل فرسودگی بیش از حد اکثر مواقع نیاز به تعمیرات جزئی و کلی دارد که در همین راستا این مسولیت مهم به دست

نیروهای تعمیرات ۵۱ می افتد. کارگران این بخش با فشار کاری بالا و به نحو احسن هر روز یا هر هفته این تعمیرات را به انجام می رسانند. اما متأسفانه سالهاست که این کارگران با وعدهای تو خالی کارخانه بابت قرارداد مستقیم شدن با کارفرما اصلی (ذوب آهن)، با شرایط بدی که پیمانکار این بخش بوجود آورده است دست به گریبان هستند. پیمانکار مربوطه که از سوی کارفرما انتخاب شده با دادن حقوقهای کم، بخش بخش کردن نیروها به اجرایی ۱ (بیش از ۱۰۰ کارگر) و اجرایی ۲ (بیش از ۲۰۰ کارگر)، که اختلاف حقوق بین ۱ و ۲ هفتصد هزار تومان است، بیمه تکمیلی نکردن، تفکیک نکردن شغلی که شامل اجرایی ۲ می شود به مشکلات کارگران افزوده است. کارگران اجرایی ۲ فنی تر بوده ولی به دلیل سابقه کم پیمانکار آقای عالی نژاد و (شرکت توسعه صنعت لنگان) با تحمیل حقوق کم و مزایا کمتر، فشار کاری را روی کارگران بیشتر می کند.

ما از نشریه پیام سندیکا خواهشمندیم این موضوع را پیگیری کند

۲- مدیریت مشکلات کارگران ذوب آهنی را نادیده می گیرد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدیریت ذوب آهن ساده ترین مسایل رفاهی کارگران را رسیدگی نمی کند و این خشم کارگران را در پی داشته است و با نامه نگاری و حتا دیدارهای دوره ای مدیران به آنان گوشزد می کنند اما همچنان مدیریت با بی تفاوتی عمل می کند. بخشی از این مشکلات به شرح زیر است: ۱- سهمیه لباس کار کارگران مدیریت ماشین آلات سال ۹۷ هنوز توزیع نشده است. ۲- سرویس بهداشتی نورد ۵۰۰ قسمت پرداخت مدتهاست خراب است و رسیدگی نشده است. ۳- توزیع لباس و وسایل ورزشی به کارکنان انجام نگردیده است ۴- مشکل رختکن کارگاه دپو دایره جریه راه آهن و ترابری منتظر دستور مدیریت است که چشم پوشی می کنند ۵- سهمیه لباس کار آتشکار به کارکنان ایستگاه ۵ ریخته گری تحویل نشده است و باعث خطرات زیادی خواهد شد ۶- تامین نفرات نظافت صنعتی مورد نیاز کارگاههای مدیریت فولاد سازی انجام نگرفته است ۷- درخواست جایگزین نمودن لیوان کاغذی در سطح کارخانه به فراموشی سپرده شده است.

۳- چه اتفاقی در ذوب آهن افتاده است؟

پس از آنکه معاون منابع انسانی ذوب آهن در خصوص نیامدن کارگران در روزهای شنبه ۲۵ آبان تا سه شنبه به دلیل مسایل ترافیکی!!! به کارخانه مطالبی را عنوان کردند، بازدید دادستان عمومی و انقلاب دادگستری لنجان از ذوب آهن اصفهان خبرساز گردید. در پی آن نشست بصیرتی توسط حوزه مقاومت بسیج تندگویان در خصوص ناآرامی های اخیر نیز در ذوب آهن برگزار شد.

این اخبار نشان دهنده این موضوع است که میزان ناآرامی ها در شهرها و شهرک هایی که کارگران ذوب آهنی در آن زندگی می کنند زیاد بوده است که کارگران نتوانسته اند به محل کار بیایند. در چند سال اخیر کارگران ذوب آهن در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و کاری خود از شیوه های گوناگون اعتراضی همچون اعتصاب، نامه نگاری به مدیران و حتا دعوت از مدیران به قسمت های کاری خود جهت بیان و حل مشکلاتشان اقدام کرده اند. حتا زنان کارمند ذوب آهن در یک حرکت نسبت به وضعیت ساعت کاری خود اعتراض نمودند. بی تردید ناآرامی های اخیر کارگران ذوب آهنی و خانواده هایشان را تحت تاثیر قرار داده است.

اینکه مسوولین چه در ذوب آهن و چه در سراسر کشور مرتباً اعتراض را به عنوان يك حق کارگران اعلام میکنند باید گفت که آیا در عمل نیز به آن پایبند هستند؟ آیا اگر کارگران قسمتی از کارخانه ذوب آهن دست به اعتراض بزنند مدیران و بخش امنیتی کارخانه آن را مجاز دانسته و این حق را محترم خواهند شمرد؟

تحریریه پیام سندیکا

۴- وضعیت در انبار مرکزی ذوب آهن مناسب نیست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدیریت ذوب آهن با وجود وضعیت خوب مالی از حل کردن ساده ترین مسایل کارگری چشم پوشی می کنند برای مثال:

۱- سختی کار کارگران و کارکنان انبار مرکزی مدتهاست به فراموشی سپرده شده است ۲- سرویس بهداشتی ساختمان انبار محصول و تخلیه مدتهاست خراب است و مسوولین رسیدگی نمی کنند ۳- امکانات موجود در کانکس های انبار محصول و تخلیه کافی نیست و وضعیت بهداشتی در آنجا افتضاح است. ۴- لوازم مورد نیاز جهت سیستم گرمایش کابین جرثقیل های انبار محصول تامین نشده است.

۶- کارشکنی در خرید ریل ملی از ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در حالی که ریل های تولید شده در ذوب آهن از ریل های آلمانی دست کمی ندارد هنوز هم در راه خرید ریل ملی موانعی ایجاد می شود و کماکان مافیای از واردات ریل سود خوبی به جیب می زند این در حالی است که گنجایش انبارهای ذوب آهن محدود است و مسوولین زیرساخت راه آهن از خرید ریل های آماده طفره رفته و آن را به تایید و بازرسی نهایی حواله می کنند.

با تولید ریل ملی بیش از ۱۴ هزار کارگر درگیر این تولید هستند و نخریدن ریل ملی باعث بیکاری این عده خواهد شد و ضرر رسانی ذوب آهن را فراهم خواهد آورد. بیش از یکسال از تولید ریل ملی می گذرد اما هنوز راه آهن سراسری و شرکت های راه آهن شهری (مترو) قراردادی با ذوب آهن برای خرید ریل ملی نبسته اند. در این راه مافیای واردات بر سر راه خرید مانع تراشی کرده و عوامل مافیای در دولت و صنعت و اتاق های بازرگانی و دستگاههای اجرایی از این نخریدن نفع زیادی می برند.

این روزها در هفت تپه!



پس از حدود یک ماه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، با توافق دوجانبه با کارفرما و به صورت مشروط به محل کار خود برگشتند.

یکی از خواسته های کارگران بازگشت به کار اسماعیل بخشی بود که با موافقت مدیریت شرکت در محل کار حاضر شدند. البته بنا به بررسی های به عمل آمده و طبق گفته مدیریت شرکت، ایشان در دوران بازداشت و عدم حضور در شرکت نیز حقوق خود را دریافت می کرده و در واقع اخراج نبوده و فقط پس از آزادی ممنوع الورد بودند. در حال حاضر کارگران این شرکت در دو شیفت کاری درحال اورهال کارخانه جهت شروع بهره برداری هستند و با تلاش مضاعف در نظر دارند عقب ماندگی ایجاد شده را به این شکل جبران نمایند. لازم به ذکر است از نظر دستمزدی هنوز حقوق مهرماه پرداخت نشده است و بین ۲۶ الی ۳۰ آذر ماه پرداخت خواهد شد.

پایان موقت اعتصاب هفت تپه

امروز ۱۱ آذر بعد از قرائت توافق نامه بین کارفرما و نمایندگان کارگران هفت تپه، توسط نمایندگان حاضر در جلسه و صحبت های معاونین مدیریت، کارگران شرکت نیشکر هفت تپه بصورت مشروط جهت اجرایی شدن توافقات بعمل آمده به محل کار برگشتند. اعتصاب بطور موقت پایان یافت. متن توافق نامه را در زیر مشاهده می کنید:

۱۳۹۸ / ۹ / ۱۱

بسمه تعالی

صورت جلسه‌ی ما بین کارکنان و نماینده کارکنان شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و کارفرمای شرکت در حضور اعضای شورای تأمین «جناب آقای کثیر معاون فرماندار، فرمانده نیروی انتظامی شوش و فرمانده سپاه پاسداران شوش و رئیس اداره کار شوش»

(۱) کارفرما متعهد می‌شود از تاریخ این صورت جلسه هرگونه تعدیل نیروی تحت هر عنوان صرفاً با رأی کمیته انضباط شرکت صورت پذیرد.

(۲) تهیه لباس کار و کلیه وسایل ایمنی هر شش ماه یکبار انجام و در اختیار کارگر قرار گیرد.

(۳) پرداخت مزایای عرفی «حق همسر، سختی کار، ایاب و ذهاب، حق شیفت، پاداش کشت و بهره برداری، حق رهبری، جیره‌ی ماه مبارک رمضان، جیره‌ی نوشت افزار» طبق قانون انجام خواهد شد.

(۴) حقوق مهر ماه ۹۸ در تاریخ ۲۶ الی ۳۰ آذر ماه، حقوق آبان ماه ۹۸ در تاریخ ۵ الی ۱۰ دی ماه، عیدی و پاداش کارکنان سال ۹۸ قبل از عید نوروز ۱۳۹۹ و کلیه مطالبات مربوط به سال ۹۸ تا پایان سال جاری تسویه میگردد؛ بازگشت به کار سه نفر از کارگران اخراجی (در هفته آینده طی جلسه‌ای با خود این افراد بررسی می‌شود).

(۵) مطالبات بازنشستگان تا پایان سال ۹۸ طی ۳ (سه) قسط پرداخت می‌گردد.

(۶) کار فرما متعهد می‌شود از تاریخ ۹۸/۹/۱۸ لیست بیمه تأمین اجتماعی کلیه پرسنل را به نحوه‌ای پرداخت نماید که هیچ‌گونه مشکلی در این خصوص برای کارگران ایجاد نشود.

(۷) تغییر عناوین و ارتقای گروه‌های شغلی، هر ساله بررسی و طبق قانون انجام می‌شود و هر شخصی بر اساس عنوان و مزد شغلی که در آن مشغول به کار است حقوق دریافت می‌نماید

(۸) بررسی بازگشت به کار بازنشستگان (بازگشت کارگران بازنشسته به کار)

(۹) کارفرما متعهد می‌شود که حق غذا را از دی ماه ۹۸ بصورت علی الحساب به مبلغ ۵۰۰۰ تومان پرداخت نماید و در سال ۹۹ تجدید نظر خواهد شد.

(۱۰) کارگران با اعضاء این صورتجلسه فردا به اعتصاب خود پایان می‌دهند.



رونوشت:

- جناب آقای امانی فرمانده سپاه پاسداران شهرستان شوش دانیال (ع)
- جناب آقای مهندس هدیان فرزنداری محترم شهرستان شوش دانیال (ع)
- جناب آقای بهاروند فرمانده محترم نیروی انتظامی شهرستان شوش دانیال (ع)
- جناب مهندس سامر نعیمی رئیس اداره کار و امور اجتماعی شهرستان شوش دانیال (ع)

برای پیمانکاران بد حساب کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در سال ۹۴ در شرکت استیم در کنگان فاز ۱۳ پیمانکاری به نام محمد فرهادی ۶۰ تن از کارگران را بعد از اتمام کار دست خالی به خانه فرستاد و سپس هم غیب شد. کارگرانی که در بدترین شرایط آب و هوایی برای این پیمانکار کار کرده ولی او بی معرفتی را به نهایت رساند. این پیمانکار سه ماه دستمزد به کارگران ۵ سال است که بدهکار است. با تحقیقاتی که انجام دادیم رد ایشان را در اصفهان پیدا کرده و حتی شماره تلفنش را نیز پیدا کردیم اما به تلفن های ناشناس و یا تلفن های طلبکاران جواب نمی دهد.

پیام سندیکا: البته کارگران باید همان موقع که بدحسابی و بد قولی ایشان را دیدند به شرکت مراجعه کرده و حقوق خود را طلب می کردند و در نهایت هم از شرکت و هم از پیمانکار شکایت می کردند.

وضعیت کارگران در پتروشیمی پارسین سپهر

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در پتروشیمی پارسین سپهر به پیمانکاری دهنو نه تنها حق و حقوق کارگران را به موقع نمی دهند و دستمزدها ماهها تاخیر دارد بلکه هیچ امکانات رفاهی هم که حق کارگر است را در اختیار کارگران نمی گذارند. در پیمانکاری دهنو حتی از دادن قند و چایی که یک امر عادی است را به کارگران نمی دهند. از مایع دستشویی دریغ می کنند. وضعیت خوابگاهها بسیار کثیف است. و زمانی که اعتراض کارگران را می بینند با پررویی تمام می گویند ناراحت هستید بروید تسویه کنید.

امسال دوبار بخاطر همین مشکلات کارگران معترض را اخراج کردند.

مشکلات متنوع کارگران لاستیک پارس!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با تبدیل وضعیت مالکیت کارخانه لاستیک پارس ساوه از دولتی به خصوصی و اینکه کارفرما در زمان خرید تعهد کرده بود تا ۵ سال حق اخراج کارگری را ندارد اما مالک به همراه مدیران کارخانه شرایطی را برای کارگران بوجود می آورند تا کارگر خود از کارخانه برود. مثلن جا و شغل کارگر را عوض می کنند. اضافه کاری ها را در مدت ۶ ماه از ۱۰۰ ساعت به ۲۰ ساعت رسانده اند تا دریافتی کارگران کم شده و کارگران متخصص و مهندسین خود از کارخانه بروند. مالک کارخانه ادعا می کند به دلیل تحریم و نبود مواد اولیه کارخانه وضعیت خوبی ندارد.

کارشناسان سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران معتقدند که مالک این کارخانه هم مانند دیگر خریداران این گونه شرکت های دولتی بیشتر به دنبال وام اختصاص یافته به این گونه خریدها بوده اند، و گرنه مالکی با این تدبیر که به دنبال راه اندازی هلدینگ لاستیک سازی است چگونه قبل از خرید به فکر تهیه و حل مشکل مواد اولیه کارخانه اش نبوده است.

مشکلات تحمیلی به کارگران لاستیک پارس ساوه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آمدن مالک جدید کارخانه و خصوصی شدن این کارخانه مثل اینکه مشکلات کارگران تمامی ندارد. در زمان دولتی بودن این کارخانه هر ماهه مبلغی از دستمزد کارگران کسر شده و کارخانه هم مبلغی به آن اضافه می کرد و در صندوقی جهت دادن وام به کارگران اختصاص داده بود. این مبالغ به صورت اندوخته کارگران تا زمان بازنشستگی و با تسویه حساب در این صندوق ذخیره می ماند و در روزی که کارگر از کارخانه می رفت جمع مبلغ کسر شده از کارگر و کارفرما به کارگر داده میشد.

متأسفانه با آمدن مالک جدید این صندوق به وضعیت نامعلومی دچار شده است. از سوی مالک جدید ادعا می کند که مبلغ این صندوق از سوی کارفرمای دولتی به ایشان مسترد نشده است.

از آنجایی که مدیریت این صندوق در دست کارگران نبوده کارگران از مبلغ اندوخته شده در این صندوق خبر نداشته و کارفرمای فعلی هم در مورد این صندوق شفاف سازی نمی کند. با توجه به ۱۰۰۰ کارگری که اندوخته هایشان در این صندوق موجود بوده که مبلغ قابل توجهی هم می شود، کارگران نمی دانند اصل و سود این پول ها در حال حاضر در جیب چه کسی است؟ مالک دولتی یا مالک فعلی.

کارشناسان سندیکای فلزکارمکانیک ایران معتقدند که این پول در حساب کارفرمای فعلی تهاتر شده است و مالک این کارخانه از دادن چه وام به کارگران و چه اصل پول پطره می رود و باید حسابرسان دادگستری در این مورد ورود کنند.

نامه کارگران ساوه ای به رییس جمهور

نامه کارگران ساوه ای کارخانه های لاستیک پارس ، گروه صنعتی شیشه کاوه فلوت ، شرکت پرشین صنعت زرند ، شرکت چلیک صنعت کاوه که با پست پیشتاز برای دفتر ریاست جمهوری فرستاده شده است .

به نام خدا

”زندگی شایسته همراه با کرامت انسانی و معیشت مناسب حق همه کارگران و شهروندان ایران عزیز است“

از کارگران ساوه ای به دفتر ریاست جمهوری

با سلام:

با توجه به اظهارات جناب نوبخت مبنی بر اینکه دستمزد کارگران در سال ۱۳۹۹ به مقدار ۱۵ درصد افزایش می یابد ، ما کارگران ساوه ای شرکت های لاستیک پارس ، گروه صنعتی شیشه کاوه فلوت ، شرکت پرشین صنعت زرند ، شرکت چلیک صنعت کاوه ، و.....اعتراض خود را نسبت به این تصمیم اعلام می داریم و به آقای نوبخت پیشنهاد می کنیم که یک ماه با دستمزد کارگری زندگی کنند تا متوجه مشکلات زندگی ما کارگران شوند. در حال حاضر دستمزد فعلی کارگران نسبت به سال ۱۳۹۵ قدرت خرید را ۳ برابر کمتر کرده است لذا ما کارگران خواهان افزایش قدرت خرید طبق ماده ۴۱ قانون کار بوده تا بتوانیم یک خانواده ۴ نفره را اداره نماییم.

در پایان یاد آوری می شود کارگران خواهان دستیابی به حق و حقوق خود از راه قانونی و مسالمت آمیز می باشند.

امید آنکه با حمایت مسئولین واقع بین و همدلی کارگران این طبقه زحمتکش جامعه به حق و حقوق خود دست یابند.

دست در دست هم دهیم به مهر

میهن خویش را کنیم آباد. ۲۵ آذر ۱۳۹۸

رونوشت : دفتر حجت الاسلام سید ابراهیم حسینی امام جمعه محترم ساوه.

دفتر جناب آقای منصوری نماینده محترم ساوه در مجلس شورای اسلامی.

نماینده کارگران در شورای عالی کار و تعیین دستمزد جناب علی خدایی

(این نامه در خبرگزاری ایلنا منعکس شده است)

در کارخانه بشکه سازی چه می گذرد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارخانه بشکه سازی واقع در شهرک صنعتی ساوه با ۳۰ کارگر متاسفانه به دلیل تامین نشدن مواد اولیه اش (ورق) در ماههای اخیر با ۲۰ درصد ظرفیتش کار می کند.

فولاد مبارکه اصفهان که تامین کننده اصلی ورق مورد نیاز کارخانه است، مواد اولیه را با تاخیر به این کارخانه می دهد که باعث گردیده در آبان ماه ۷۰ درصد کارگران به مرخصی اجباری بروند تا کارخانه بتواند مواد اولیه اش را تهیه کند.

فولاد مبارکه بیشتر ورق های تولیدی خود را به کارخانه های خودروسازی می دهد.

با وجود این مشکلات کارگران می گویند دستمزد و سایر مزایای کارگری خود را سر موقع گرفته و حتا کارفرما با وجود مشکلات تلاش کرده است غذای بسیار مناسبی را برای ناهار کارگانش از بیرون کارخانه تهیه کند.

این روزهای گروه صنعتی شیشه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، گروه صنعتی شیشه متعلق به حاج ابراهیم عسگریان در شهرک صنعتی ساوه قرار دارد. این کارخانه از بخش های مختلفی چون کارتن سازی، شیشه، بارگیری... تشکیل شده و تقریباً ۴۰۰۰ کارگر در آن مشغول به کارند. در این کارخانه به دلیل شدت استثمار و برخورد خشن مدیران، کارگران پس از مدت کوتاهی از کار در این کارخانه پشیمان شده و می روند. در این کارخانه خبری از امنیت شغلی و طبقه بندی مشاغل نیست. کارگران و به ویژه تکنسین ها و مهندسين فقط با حقوق وزارت کاری استخدام شده و حقوق می گیرند. اجبار کاری در این کارخانه یک عمل عادی است و هر زمان با کارگری تماس گرفته میشود باید خود را سریع به محل کار برساند حتی اگر یک ساعت قبل با ۱۲ ساعت کار به خانه آمده باشد.

این مجتمع کارگری با وجود ۴۰۰۰ کارگر فاقد آمبولانس و موارد ایمنی و بهداشتی می باشد و سوانح کارگری زیادی داشته مخصوصاً در بخش شیشه کارخانه. وضعیت رفاهی کارگران در حد این مجتمع کارگری نیست و فرزندان آقای عسگریان از نصب شیروانی در قسمت بارگیری تاکنون جلوگیری کرده و کارگران باید در سرما و گرما بدون سقف و حفاظ بارگیری را انجام دهند. این در حالی است که مالک کارخانه برای اسم در کردن بیمارستان می سازد.

آیا می توان وقفه پیش آمده در سابقه بیمه را یکجا پرداخت کرد و با سن ۵۰ سال بازنشسته شد؟

خیر نمی شود. تنها سوابق قابل خریداری عبارتند از:

- ۱- کسری سابقه تا ده سال (جهت بازنشستگی با سن ۶۰ سال آقایان و سن ۵۵ سال خانم ها) و ۲- سابقه سربازی؛ مابقی خلا بیمه ای که به علت عدم اشتغال ایجاد شده قابل محاسبه و پرداخت نمی باشد.

وضعیت بد نگهبانان پارک های کرج!

نگهبانان پارک های کرج بصورت شرکتی استخدام شده و ۲۴ ساعت سرکار هستند و ۲۴ ساعت در حال استراحت. در ازای این کار شاق ۳ میلیون ۵۰۰ هزار تومان دریافتی دارند. بیمه شان بصورت کارگر ساده و نه براساس دریافتی توسط پیمانکارانی چون تخت جمشید به تامین اجتماعی ارایه می شود. چیزی به نام مرخصی وجود ندارد و چنانچه نگهبانی بخواهد سرکار نیاید به ازای هر روز ۱۲۰ هزار تومان باید به پیمانکار پرداخت کند. مرخصی سالیانه و استعلاجی وجود ندارد. به این نگهبانان در طول روز فقط یک وعده نهار در ۲۴ ساعت می دهند. خرید لباس اعم از شلوار و پیراهن فرم، کاپشن، کفش و حتا آرم نیز به عهده نگهبانان است. چنانچه در پارک وسیله ای دزدیده شود یا خراب گردد و یا شکسته شود از حقوق نگهبانان کسر خواهد شد. به عنوان مثال اگر لامپی در پارک توسط اعبران شکسته شود نگهبانان یا باید با زور پول خسارت را از مردم بگیرند و یا اینکه خسارت وارده را از جیب خود تامین نمایند.

با اینکه این نگهبانان کلاس های آموزشی دفاع از خود با پرداخت هزینه ۳۵۰ هزار تومانی، را گذرانده اند اما شرکت از در اختیار گذاشتن هرگونه وسیله دفاع از خود به نگهبانان اجتناب می کند. همچنین زمانی که نگهبانان بازنشسته می شوند چنانچه اگر درخواست جایگزینی فرزندشان به جای خود را داشته باشند باید ۶۰ میلیون تومان از سنوات خود را ببخشند. یکی از مشکلات عدیده نگهبانان درگیری با اوباشی است که به منظور خرید و فروش مواد مخدر و یا دست زدن به اعمالی هنجارشکنانه در پارک ها پراکنده هستند که متاسفانه نگهبانان از سوی هیچکسی حمایت نمی شوند و شوربختانه مورد ضرب و شتم اوباش قرار می گیرند آن هم برای دستمزدی ناچیز.

نگهبانان به دلیل ۲۴ ساعت بی وقفه سرکار ماندن دچار مشکلات اعصاب و روان و مشکلات خانوادگی می شوند، چرا که در ۲۴ ساعت استراحت زمانی را نمی توانند برای خانواده اختصاص بدهند که موجب مشکلات خانوادگی می شود.

این روزگار دهقانان ایران است!

هزاران تن سیب زمینی در انبارهای کشاورزان فیروزکوه در حال پوسیدن هست و غم انگیز تر آنجا هست که این سیب زمینی ها کاملا ارگانیک و فاقد آلاینده های شیمیایی می باشد و به دلیل شیوه آبیاری غرق آبی، تزریق نیترات، فراوان به غدد سیب زمینی به صرفه نبوده و همچنین به دلیل رواج دامداری در منطقه و وفور کودهای حیوانی تولید سیب در شهرستان فیروزکوه کاملا سالم و دارای طعم و مزه ای دلپذیر می باشد و بر همین مبنا همیشه سیب زمینی و دیگر محصولات زراعی و باغی شهرستان فیروزکوه بر سر زبانها بود و همواره دارای قیمت بیشتر از نقاط کشور بوده و براحتی بفروش میرفت. اما چرا در سالهای اخیر تولیدات کشاورزی فیروزکوه خصوصا سیب زمینی در انبارها می ماند و در انتهای راه سر از مراکز جمع آوری زباله و یا نهایت شکم دام بیرون می آید؟ مبحثی است که مسئولین کشاورزی باید به آن بیاندیشند تا از نابودی خانوارهای کشاورزی جلوگیری شود.

توسعه پایدار کشوری میتواند مستحکم ترین رکن و اساس توسعه و ارتقا در زمینه های مختلف اجتماعی باشد زیرا گستره کشاورزی گسترده ترین مبحث در جوامع توسعه نیافته می باشد و جامعه ای که هنوز در سطح و حد ملل متروپل و صاحبان صنایع و فابریکهای کلان نرسیده کشاورزی و صنوف زیر مجموعه آن مانند دامداری و شیلات و مرتع داری و صنایع تبدیلی و میتواند ناجی جامعه و در اخص خود کانال و ممر دستیابی به توسعه اقتصادی باشد و در کشور ما میتواند آلترناتیو و جایگزین صنعت و تجارت نفت شود چون تمامی آیتم های مورد نیاز توسعه کشاورزی در اختیار و دسترس ما می باشد و پتانسیل تبدیل شدن به قطب برتر تولید غذا در جهان را دارا میباشد اما این گونه نیست چرا؟؟؟؟ آیا منافع کسانی به خطر می افتد که با آن مخالفت می کنند؟ چه کسانی در حوزه قدرت؟

سیاوش عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کاتال تلگرامی سندیکای واحد



۱- تایید حکم پنج سال زندان حسن سعیدی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد از سوی شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر را محکوم می‌کنیم!

شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر حکم دادگاه بدوی برای حسن سعیدی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد را بدون تشکیل جلسه دادگاه و در غیاب سعیدی و وکیلش عینا تایید کرد. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب سعیدی را به پنج سال حبس تعزیری و ممنوعیت استفاده از وسایل مخابراتی هوشمند نظیر تلفن همراه هوشمند و ممنوعیت عضویت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی و اجتماعی به مدت دو سال محکوم کرده بود.

سعیدی در تجمع روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) بازداشت شد و پس از ۳۳ روز بازداشت موقت در بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین تا پایان دادرسی به قید وثیقه ۳۳۰ میلیون تومانی آزاد شد. با وجود اینکه فعالیت ایشان در دفاع از حقوق کارگران بوده است اما با پرونده سازی نهادهای امنیتی اتهام اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور و اخلاف در نظم عمومی را بر او وارد کرده‌اند. برای جلوگیری از فعالیت‌های سعیدی در دفاع از حقوق کارگران، ایشان از سال ۸۴ تا کنون بارها از کار اخراج شده و در آخرین بار در سال ۹۱ اخراج از کار شده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد حکم ناعادلانه و ظالمانه حسن سعیدی را قویا محکوم می‌کند و خواستار لغو احکام صادره علیه این عضو سندیکا و تمامی کارگران، معلمان و حامیان کارگر در بند می‌باشد.

۲- محاکمه شش تن از کارگران معترض هفت تپه امروز ۲۷ آذر در دادگاه ۱۰۲ کیفری دو شوش.

امروز بیست و هفتم آذرماه، ساعت یک بعدازظهر، جلسه رسیدگی به پرونده کارگران هفت تپه، با حضور وکیل کارگران، خانم فرزانه ژیلایی در شعبه یکصد و دو کیفری ۲ شهرستان شوش به ریاست قاضی سراج برگزار شد.

اسامی کارگران معترضی که به علت عدم پرداخت حقوق معوقه و خصوصی سازی در اعتراضات ماههای گذشته شرکت کرده بودند. آقایان یوسف بهمنی و ابراهیم عباسی منجزی و مسلم چشم خاور و ایمان اخضری، خدایی و محمد خینفر. لازم به ذکر است که اسماعیل بخشی و محمد حنیفر بتازگی از سوی دادگاه انقلاب محکوم به ۵ سال زندان گردیده اند که از سوی دادگاه تجدید نظر هم قطعی شده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای نیشکر هفت تپه بارها در اطلاعیه های جداگانه احکام صادره علیه کارگران معترض و پیشرو را محکوم کرده و خواستار منع تعقیب برای تمامی فعالین کارگری و آزادی بدون قید و شرط کارگران و فعالین صنفی دربند میباشند .

۳- برنامه مدیریت ناکارآمد شرکت واحد برای حذف پاداش عدم تصادف رانندگان

با وجود اینکه نه ماه از سال جاری می‌گذرد اما هنوز پاداش عدم تصادف رانندگانی که در سال ۹۷ تصادف نداشته‌اند پرداخت نشده است. پاداش عدم

تصادف به رانندگان خطوط به شرط عدم تصادف در طول یکسال پرداخت می‌گردد و مبلغ آن ۵۰۰ هزار تومان می‌باشد. پرداخت پاداش عدم تصادف از سال‌هاست که به رانندگان پرداخت می‌شود و انگیزه مدیریت از پرداخت پاداش عدم تصادف تخفیف شرکت‌های بیمه برای بیمه کردن خودرو به دلیل عدم تصادف در طول یکسال می‌باشد و با توجه باینکه هزینه بیمه اتوبوس بالاست بنابراین مبلغ قابل توجهی می‌شود علاوه بر این اتوبوسی که تصادف نمی‌کند دایما در خط در حال کار است و به دلیل تصادف اتوبوس از خط خارج، متوقف و یا به تعمیرگاه مراجعه نمی‌کند.

اما مدیریت ناکارآمد شرکت واحد با رویکرد چند سال اخیر در رابطه با حذف انواع دریافتی رانندگان و کارگران، پرداخت پاداش عدم تصادف رانندگان را به تاخیر طولانی انداخته است تا بلکه نظیر حذف بن خرید کالا و شارژ کارت اعتباری که با تاخیر پرداخت آن در چندین مناسبت حق کارگران را نداد این بار نیز بلکه موفق به قطع پرداخت پاداش عدم تصادف گردد.

کارگر جوان زحمتکشی همراه همسرش منتظر تولد اولین فرزندشان بودند بعد از مدتی این موجود کوچک پا به دنیا می‌گذارد. در معاینات پزشکی معلوم می‌شود که فرزند آنها به اصطلاح لوچ یا دوپین است و در واقع انحراف دید دارد و همه چیز را دوتا می‌بیند. از آن روز این کارگر جوان ناراحت بوده و دستش به کار نمی‌رود. سرد و بی حوصله و گوشه گیر می‌شود. اشتباهاتش در امور محوله و انجام وظایفش زیاد است تا اینکه کارفرما با او برخورد کرده و علت این بی حوصله گی را می‌پرسد. کارگر جوان دلیل مشکلات روحی و عصبی اش را که تولد فرزندش با انحراف دید گفته و می‌گوید. کارفرما می‌گوید: خب این کار خدا و طبیعت است و کاری نمی‌توان کرد. اتفاقن من هم چنین بچه ای دارم. کارگر جوان در پاسخ می‌گوید: ولی قربان یک اختلاف اساسی هست، بچه شما این همه خوشحالی و خوشبختی را دوتا می‌بیند ولی بچه من این همه بدبختی و نداری را دوتا می‌بیند. (برداشت آزاد از دل نوشته کارو شاعر هم وطن ارمنی با اندکی تغییر)

نان، جان داد!



کولبرانی که به پیشواز مرگ می‌روند. تکه نانی برای سوگواری.

بدون هیچ تردیدی، مرگ فرهاد و آزاد، دردی است روی دردهای مردمی که نان ندارند؛ سیام آذرماه، مردم با تکه‌های نان به پیشواز جسم بیجان فرهاد خسروی رفتند؛ تکه‌های نان روی دست‌ها، نشانه‌ی اعتراض است....

به گزارش خبرنگار ایلنا، زمستان، سرما و توده‌های زمخت برف که برای مردمان اینجا دیگر زیبا نیست، نه، اصلاً زیبا نیست. اینجا جاده اورامانات است و فرهاد را وقتی پیدا می‌کنند که سه روز با دستان مشت کرده، بیجان کنار این جاده افتاده، فرهاد سه روز است که دستانش را از زور سرما مشت کرده و نفس نمی‌کشد....

«فرهاد خسروی» چهارده سال بیشتر ندارد؛ چهارده سالگی، آغاز شکفتن است، آغاز بهاری که برای فرهاد خیلی زود خزان می‌شود؛ فرهاد جانش را در ازای نان قمار کرده است، قمار بی‌بازگشت که او را، جنازه‌ی او را با دستان مشت کرده کنار جاده رها می‌کند؛ قمار خشن و بی‌بازگشت «کولبری».... چند روز پیش از این، در روزهای پایانی آذرماه، فرهاد چهارده ساله به همراه برادرش - آزاد ۱۷ ساله- و تعدادی دیگر از کولبران در گردنه‌های تنه‌ی مریوان گیر می‌افتند؛ زور سرما زیاد است و راه خروجی از کوهستان نیست؛ گرداگرد بدن‌های لرزان این جوانان را ستیغ‌های پربرف کوه فراگرفته و تمام جاده‌ها به سوی زندگی محو است. فرهاد خسروی، در همان دقایق اولیه که سرمای

مرگ هجوم می‌آورد، کتتش را درمی‌آورد و تن برادر هفده ساله‌اش آزاد می‌کند و با زبان شیرین کوردی می‌گوید: رفیقان طاقت بیاورید! می‌روم کمک بیاورم... فرهاد که دل به جاده اورامانات می‌زند، هرگز بازمی‌گردد؛ زور سرما و بوران، جوانی او را مغلوب می‌کند و بر زمین می‌افتد؛ بیست و ششم آذرماه، اطلاعیه رسمی هلال احمر، مرگ برادر فرهاد، آزاد خسروی را بر اثر سرما و کولاک تایید می‌کند؛ یکی دیگر از کولبران این گروه بر اثر سرمازدگی شدید به بیمارستان مریوان منتقل می‌شود و هنوز هم روی تخت بیمارستان با دردهای کوهستان دست و پنجه نرم می‌کند؛ اما از فرهاد خبری نمی‌شود؛ سه روز تمام هزاران نفر از مردم منطقه‌ی مریوان، سروآباد و اورامانات به دنبال نشانی از فرهاد می‌گردند، سگ‌های زنده یاب هم تمام کوهستان را به شامه می‌کشند اما در نهایت در غروب ۲۹ آذر، جسد فرهاد بادستان مشت کرده درجاده‌ی اورامانات یافت می‌شود.

نان‌ها روی دست!

چهارده سالگی فرهاد همانند هفده سالگی برادرش آزاد، طعمه‌ی دستان زمخت مرگ می‌شود؛ سه روز پیش‌تر، تشییع جنازه‌ی آزاد سرمازده برپا می‌شود و روستای نی، روز ۳۰ آذرماه، بازهم شاهد سوگواری است؛ این بار سوگواری جوان دیگری از همان خانواده، فرهاد خسروی. مردم در مراسم تشییع جنازه، تکه‌های نان سر دست گرفته‌اند، به نشانه‌ی اعتراض، اعتراض به اینکه چرا اینجا در کردستان باید برای «نان»، «جان» داد؟!

«کولبری» خشن‌ترین و ناعادلانه‌ترین راه نان درآوردن، دیگر انگار برای مسئولان محلی و کشوری، تبدیل به پدیده‌ای عادی شده است؛ کولبران از جوان ۱۲ ساله یا ۱۴ ساله گرفته تا پیرمردان ۸۰ ساله، باری سنگین بر دوش می‌نهند و برای دویست یا سیصد هزار تومان، کوهستان‌های پرخطر مرز را پشت سر می‌گذارند؛ خطر، بسیار است؛ از سرمازدگی و سقوط از کوه گرفته تا مین‌های جامانده از زمان جنگ و تیر ماموران مرزی که گاه قلب کولبران را هدف می‌گیرند؛ فرهاد و آزاد، تنها قربانیان این راه پرخطر نیستند؛ همین امسال از ابتدای سال، فقط مرگ ۱۱ کولبر در رسانه‌های رسمی منتشر شده است و احتمالاً همین تعداد مرگ بی‌صدا نیز وجود داشته است. خطرها زیاد است و قمار جان بر سر نان، همچنان ادامه دارد اما هیچ راهکار اصولی برای حل این مشکل بزرگ، در دستور کار نیست. *نسرین هزاره مقدم خبرنگار خبرگزاری ایلنا*

بیمه دانا و کارگران ذوب آهنی!

عملکرد ضعیف بیمه دانا و عدم نظارت مناسب مدیریت باعث نارضایتی کارگران و کارکنان ذوب آهن گردیده است. حذف بسیاری از موارد بهداشتی از قرارداد سطح درمان کارگران و کارکنان با بیمه دانا که متأسفانه در برخی مواقع به درگیری خانواده بیمار با بیمارستان ها منجر شده، به این نارضایتی دامن زده است.

چک آپ های دوره ای برای کارگرانی که چنین مشاغل سخت و پر مخاطره ای دارند حذف شده است. واکسیناسیون به ویژه در سالی که آنفولانزا شیوعی بسیار یافت و بیش از ۱۰۰ تن را کشت، در قرارداد بیمه دانا نیست و نشست های مسوولان بی مسوولیت و بیخیال ذوب آهنی با مدیران سودجوی بیمه دانا نتیجه ای نداده است.

البته وقتی دولت و سیاست هایش در مورد بهداشت و درمان نگاه سودجویانه و نه انسانی باشد بی تردید جان کارگران هم در مقام کالایی بیش نخواهد بود. کارشناسان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران بر این باورند که باید خصوصی سازی بهداشت و درمان متوقف شود و دولت باید اصل ۲۹ قانون اساسی را اجرا کند که در نتیجه تامین اجتماعی بنا بر قراردادش با بیمه شده ها متحمل همه بیماری ها و هزینه بیمه شده شود.

● قانون کار:

◆ ماده ۶۵ قانون کار- مرخصی سالانه کارگرانی که به کارهای سخت و زیان آور اشتغال دارند، پنج هفته (۳۵) روز می باشد.

◆ ماده ۶۶- کارگر نمیتواند بیش از ۹ روز از مرخصی سالانه خود را ذخیره کند.

ماجرای صندوق صنعت نفت بعد از تشکیل!



متأسفانه بسیاری هستند از دوستان صنعت نفتی (حالا چه قراردادی یا حتی پیمانکاری) که اطلاعی از مجموعه های شرکت نفت ندارند. اینکه چطور بوجود آمده و هزینه این مجموعه ها از کجا تامین شده است و اساسن چه چیزهایی رو شامل میشوند. این رو محض اطلاع همه دوستان و همکاران بزرگوار می نویسم تا در مواجهه با سرکوفت هایی که هم از همکاران غیررسمی هست مطلع باشید.

صندوق صنعت نفت بعد از تشکیل، تنها طی مدت کوتاهی، انبوهی از اندوخته های کارگران در آن تجمیع شد. همان زمان قرار بر این شد که جهت حفظ و صیانت از این سرمایه چندین نفر از کارگران و کارمندان نفت عهده دار این مهم بشوند. اما با توجه به بازنشستگی دیر هنگام کارکنان رسمی نفت این مبلغ رو به فزونی گذاشت و بعضن بسیاری از کارکنان به دلیل شرایط سختی کار عمر زیادی نمی کردند تا بتوانند از مبلغی که به عنوان آتیه در صندوق ذخیره میشد استفاده کنند. به همین دلیل قرار بر این شد که صندوق بازنشستگی پولهایی که تحت عنوان صندوق آتیه و بازنشستگی در آن جمع می شد مجدداً به صورت خدمات به پرسنل بازپرداخت کند. به مرور زمان با این مبلغ این امکانات فراهم گردید: ۱- فروشگاههای مواد غذایی ۲- مجتمع های تفریحی و زیارتی ۳- بیمارستان نفت ۴- باشگاههای نفت ۵- هواپیمایی نفت ۶- صندوق های پرداخت وام ۷- دانشکده صنعت نفت و... یعنی بیمارستانی که هم اکنون بسیاری از آن به عنوان تبعیض ناروا صحبت به میان می آورند و هتاکانه کارکنان را به مفت خوری و سواستفاده از منابع دولتی یاد می کنند. در اصل

پول همین کارکنان بینواست. ریالی از مخارج بیمارستان نفت از جیب دولت یا حتی وزارت نفت پرداخت نمی شود. اما پروژه اصلی با ورود زنگنه برای چنگ انداختن به این سرمایه با ورود به وزارت نفت در دوره جناب خاتمی کلید خورد. مهمانسراها و فروشگاههای مواد غذایی بسته شد اما در آن زمان تطمیع خاصی توسط ایشان صورت نگرفت تا پروژه تهی سازی نفت و خود شیرینی برای دولت انجام گیرد. اما کوله بار تجربه بالاخره در دولت روحانی به کار آمد. در همان ابتدا تطمیع احسنت کشان و لوس سازی برای دولت آغاز شد. جاده زنگنه برای غارت نفت صاف شد. اولین قانون قطع منابع نفت بود. پروژه کثیف درآمد نفت اجرا شد و مجلس چاپلوس قانون درآمد نفت از صادرات را تصویب کرد. پروژه بعد هموار شد. صندوق بی سنگر شد و زنگنه با تکاوران دست پرورده خویش به آن تاختند. بند ده و بلوکه کردن حقوق پرسنل اولین گام. سال ۹۳ دومین ضربه زنگنه به صندوق وارد شد. ۶۰ تریلیون تومان از سرمایه صندوق با قانون من درآوردی وی غارت شد. هواپیمایی نفت تاب نیاورد و اولین قربانی به چنگ آمد. سومین قربانی دانشکده نفت. بیمارستان نفت چهارمین قربانی بود که با سیل عظیم نیروی جدید (غیر رسمی) مواجه شد که عملاً از سرمایه و امکانات خالی بود. زنگنه نه دلش به حال نیروی قراردادی می سوزد و نه از آنها خوشش میاید چرا که بارها اعلام کرده که اینها با ضابطه وارد شده اند. اما برای فلج کردن بیمارستانهای نفت و پس از آن واگذاری آن بهترین گزینه گسیل نیروی قراردادی به سمت آنست. اولین قربانی بیمارستان ماهشهر شد که خوشبختانه با درایت کارکنان تاکنون پروژه ناکام ماند. همه چیز به نحو احسنت و باب میل شیخ به راه بود که ناگهان رای دیوان عدالت ورق را برگرداند. دانشکده نفت پیروز شد. پرونده صندوق نفت هم به سرانجام نشست و بعد از ۵ سال زنگنه برای دست درازی به صندوق محکوم شد. همه این مصایبی که برای شما بازنشستگان و پرسنل پیش میاید انتقام زنگنه است. زنگنه با مدیریت و نبوغ خود درآمد زایی نمی کند. سیاست درآمدزایی زنگنه دوشیدن ارگان تحت امرش است. برای این کار میز خود را هم می فروشد. پس آماده بدترین ها باشید و قلمهایتان را از جیب درآورید. جنگ اصلی در حال آغاز است.

تعاونی مصرف یا هایپرمارکت؟



افتتاح هایپرمارکت تعاونی مصرف کارگران و کارکنان ذوب آهن در حالی صورت می گیرد که اقدامات ۵۰ ساله تعاونی مصرف ذوب آهن نتایج درخشانی داشته است. با انتخاب هیات مدیره جدید تعاونی مصرف که با دیدگاه کارهای مالی و سرمایه داری به میدان آمده اند که با افتتاح هایپرمارکت تاییدی است در همین راستاست.

اینکه فروشگاههای تعاونی باید بسیار شیک و مدرن و در حد شخصیت و نام کارگران ذوب آهنی باشد هیچ تردیدی نیست اما اینکه هایپرمارکت ها جایگزین تعاونی ها شده و نظارت کارگری از آن برداشته شود و کسانی از این فرصت استفاده کرده و تعاونی مصرف را به زاییده ای بی خاصیت که چند فروشگاه دارد و مدیریتش را به کسانی اجاره دهد، نابودی تعاونی مصرف است.

دور نیست که کارگران زحمتکش تعاونی از کار بیکار شده و نظارت کارگری نیز برداشته شود و کارگران بمانند و چند فروشگاههای که هیچ ربطی به کارگران نخواهد داشت

اخلاق کارگری چگونه در کوشندگان کارگری شکل می گیرد؟



حسین سمنانی بی تردید یکی از آموزگاران بی بدیل سندیکایی بعد از کودتای خونین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. حسین سمنانی روستازاده ای از دماوند بود و پس از آمدن به تهران و در پی جستجوهایش در دهه ۲۰ به اتحادیه کارگران کفاش رسید. او با تربیت و درس گرفتن از رهبران شورای متحده مرکزی زحمتکشان ایران که عشق به انسان ها سرلوحه زندگی و مبارزاتشان بود، به کادری برجسته برای جنبش سندیکایی تبدیل شد. سمنانی یکی از مبلغین حرفه ای و آموزش دهندگان سندیکایی بود. هر لحظه از زندگی را وقف سندیکا و اعتلای جنبش کارگری کرد. سالها بعد در دهه چهل بسیاری از جوانان کفاش جای او را در هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش گرفتند ولی او همچنان حرفه ای ترین و قابل احترام ترین رهبر کارگران کفاش بود.

حسین سمنانی از جمله رهبرانی کارگری است که می توانست میلیونر شود. او از جمله بهترین کارگر کفاش مردانه دوز دهه ۴۰ و ۵۰ بود. همه کارفرمایان به دلیل وجدان کاری که او داشت علاقه داشتند او برایشان کار کند و حتا برایش مغازه باز کنند. اما حسین سمنانی با آگاهی تمام در کسوت کارگری باقی ماند و می دانست باز کردن مغازه و دست شستن از کسوت کارگری چه خطرهایی، اخلاق و منش او را تهدید خواهد کرد. از زمانی که در دهه ۲۰

جذب اتحادیه کارگران کفاش تهران شد تا روز مرگش در سال ۱۳۸۱ دست از تبلیغ برای ایجاد سندیکاهای کارگری بر نداشت. او دریافته بود که نباید دانسته هایش با او دفن شوند به همین خاطر کتاب دانستی های سندیکایی را برای کارگران مبارز به ارمغان گذاشت و خدمتی بزرگ به جنبش سندیکایی نمود. او آموزگار بزرگ همه کوشندگان دهه چهل به بعد است.

چگونه حسین سمنانی کارگر کفاش به چنین مرتبه ای رسید؟ آیا جز این بود که در کارگاههای کفاشی انسان دوستی و دفاع از منافع کارگران را تبلیغ می کرد؟ آیا جز این بود که برای گرفتن حق کارگری صبح زود کفش و کلاه کرده و رایگان در وزارت کار از حق کارگر دفاع می نمود؟ او از زمان استراحت و حتا کارش می گذشت تا خانواده کارگری را از درد و رنج بیکاری نجات دهد و یا اینکه مریضی را به بیمارستان و یا به پزشکی که سندیکا معرفی کرده بود برساند. او به عنوان یک رهبر کارگری پذیرفته بود که از حق کارگران کارگاهی که در آن کار می کرد و یا کارگاههای دیگری که به سندیکا شکایت می بردند دفاع باید بکند. او و همه رهبران هم سال او بخشی از درآمدها را خرج سندیکا می کردند تا سندیکا پرتوان باشد.

حسین سمنانی به خاطر همین خصایل انسانی و کارگریش مورد اعتماد کارگران بود. او در دهه چهل به همراه هیات مدیره پر افتخار کارگران کفاش توانست کارگران کفاش تهرانی را بیمه کند، هر چند که می دانست این کار از سوی کارفرمایان بی جواب گذاشته خواهد شد. بارها کارفرمایان کفاش، سندیکا را از بیمه کردن کارگران برحذر داشته و رهبران سندیکای کفاش را تهدید کرده بودند اما این رهبران و به ویژه حسین سمنانی و جواد مهران گهر که مسوول پیگیری بیمه کردن کارگران بودند از این تهدیدها نهراسیدند و به وظیفه طبقاتی و کارگری خود عمل کرده و کارگران کفاش تهرانی را بیمه تامین اجتماعی کردند. اینها به منافع فردی و خانوادگی اشان نمی اندیشیدند بلکه برای بهبودی وضعیت کارگران کفاش چنین تلاشی را پی گرفته و با پشتیبانی سندیکا و کارگران کفاش موفق شدند. با بیمه شدن کارگران کفاش تهرانی همه سندیکاهای کارگران کفاش در سراسر ایران کارفرمایانشان را مجبور به بیمه نمودن کارگران کردند.

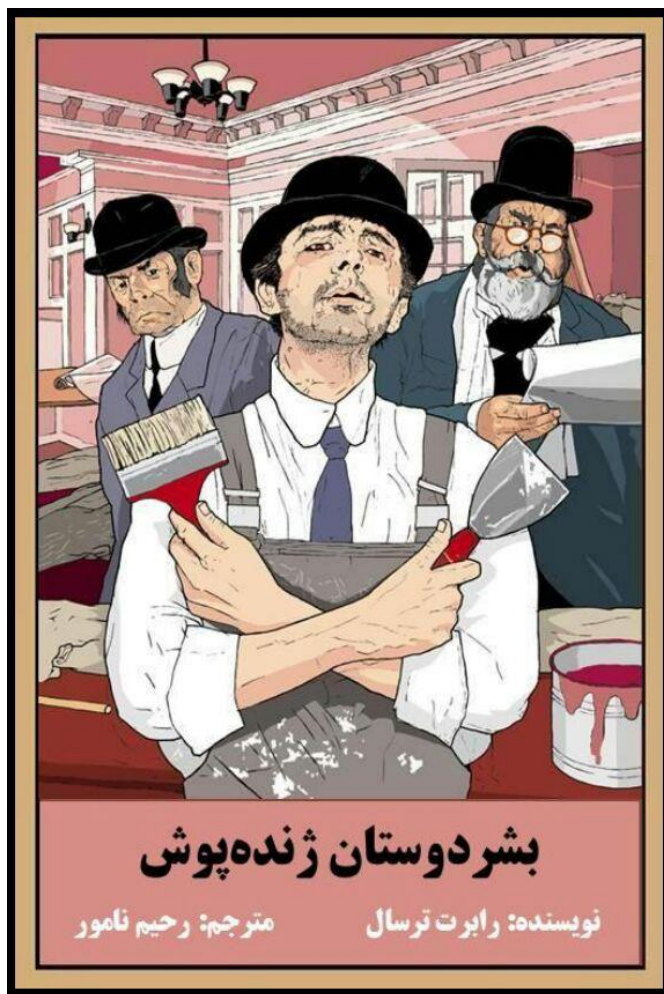
حسین سمنانی و جوادمهران گهر مسوول تبلیغات سندیکای کارگران کفاش را کارفرماها به مدت چندین سال به کار نگرفتند تا کینه خود را به آنها و سندیکای کارگران کفاش نشان دهند و تلاش کردند با بیکار کردن آنها کاری کنند که این دو کارگر از صنف کفاش بیرون بروند. اما آگاه نبودند که کارگران کفاش برای حمایت از رهبران بی ادعا و کوشای خود و تربیت اتحادگرایانه ای که نزد حسین سمنانی ها در سندیکا فرا گرفته بودند با حمایت از این دو، هفته ای یک روز چارپایه کارشان را به آنها داده تا بتوانند به جای این کارگران نشسته و کفش بدوزند تا اموراتشان هر چند به سختی بگذرد. اینها بزرگوارتر از آن تربیت شده بودند که به کمک های مالی سندیکا دل ببندند و کار به جای رفقایشان را به هر نوع کمکی ترجیح می دادند تا منبع درآمدی را با تلاش خود داشته باشند. کارفرمایان نتوانستند ۲ نفر از بهترین کارگران کفاش را نادیده بگیرند و پس از قبول شکست خود در برابر اتحاد آهنین کارگران کفاش مجبور به بکارگیری آنان شدند هرچند که درجه یک بودن کار کفاشی شان نیز بی تأثیر نبود.

حسین سمنانی در پرورش کادرهای ارزنده طبقه کارگر از هر سندیکایی نقشی مهم بعد از ۲۸ مرداد داشت. هر چند زنده نماند تا جنبش نوین سندیکا خواهی را در دهه ۸۰ ببیند اما همزمانش جای او را نگذاشتند خالی بماند. درجه یک بودن در کار کفاشی، ایجاد اتحاد در میان کارگران کفاش و طبقه کارگر در عمل، بی ادعایی، شفافیت مالی، پیگیر بودن راه مبارزه، کسب دانش طبقاتی و انتقال آن به کارگران و شجاعت کارگری از خصایل اوست. او فرا گرفته بود و می دانست رفتارش، صحبت کردنش، رفتار با خانواده اش همه در تیررس دشمنان و حتا دوستان کارگزش است و باید آن چنان یک رویه زندگی کند که در همه حال مبلغی برای سندیکا باشد.

امروز او نیست اما عمل کارگریش در زندگی هزاران کارگر کفاش موثر و باقی مانده است.

مازیار گیلانی نژاد ۷ دیماه ۱۳۹۸

معرفی کتاب



رابرت ترسال که اسم مستعار رابرت نونان، زاده‌ی ۱۸۷۰ در دابلین، بود «بشردوستان ژنده‌پوش» را در شهر هیستینگز واقع در ساحل غربی انگلستان نوشت، «احتمالاً بین سال‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۱۰». در اوایل سال ۱۹۱۱ که

درگذشت دست نوشته‌های «بشردوستان ژنده‌پوش» نزد دخترش کتالین ماند. از مرگ پدر خیلی نگذشته بود که کتالین دست‌نوشته‌های پدر را به شاعرهای نشان داد به اسم جسی پوپ که میهمان خانه‌ای بود که کتالین در نقش پرستار بچه در آن کار می‌کرد. طبق نوشته‌ی پوپ، «دوستی از من خواست نگاهی به دست نوشته‌ی رمان «بشردوستان ژنده‌پوش» بیندازم، اثر کارگر سوسیالیستی که نقاش ساختمان بود و متعاقب نوشتن کتاب‌اش از دنیا رفته بود. پذیرفتم، بی هیچ شوقی. انتظار داشتم نه مهیج باشد و نه مفرح. اما دریافتم اتفاقی با سند انسانی چشمگیری برخورد کرده بودم». پوپ انتشار دست نوشته‌ها را به ناشر خودش گرنت ریچاردز توصیه کرد. ریچاردز که بر کیفیت بالای متن صحه می‌گذاشت ظاهراً بنا بر ملاحظه‌های مالی معتقد بود دست نوشته‌ها طولانی‌تر از حدی‌اند که بتوان کامل منتشرشان کرد. کتالین حق خود بر دست‌نوشته‌های پدر را به ازای ۲۵ پوند به ریچاردز واگذاشت.

«بشردوستان ژنده‌پوش»، در سال ۱۹۱۴ انتشارات «گرنت ریچاردز» در لندن طی چهار سال سیزده بار بازنشر کرد و در سال ۱۹۱۸ به سرعت در امریکا و کانادا منتشر شد و اندک زمانی بعد به اکثر زبان‌های زنده دنیا ترجمه شد.

رمان «بشردوستان ژنده‌پوش» در ایران، نخستین بار در ابتدای دهه ۲۰ به شکل پاورقی در روزنامه «شهباز»، «نبرد»، به صاحب امتیازی «رحیم نامور» و با ترجمه وی چاپ می‌شد.

در سال ۱۳۲۴ انتشار کتاب با عنوان «بشردوستان ژنده‌پوش» به همت انتشارات فرخی صورت گرفت. پس از کودتای ۲۸ مرداد تا سال ۱۳۵۶ کتاب بصورت رسمی تجدید چاپ نشد.

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی



-کجا می روید؟

می رویم رای بدیم

-به کی؟

مهم نیست کی باشه فقط شناسنامه یمان مُهر بخوره!!

-چه فرقی می کند برای شما؟

شنیدیم هر کس رای نده یارانه هایش را قطع خواهند کرد ضمنن کاش همیشه رای گیری باشد کسانی که داوطلب می شوند خیلی مهربان، دست و دلباز، جدی، کارآمد، می شوند. صبحانه، ناهار، شام، سیم کارت، قول وام می دهند. اما وقتی منتخب می شوند فراموشی می گیرند ضمنان هر وقت بودجه ها را تقسیم می کنند به علت فراموشی جمعه ها به مجلس می روند.

سوگند به دست پینه بسته

سوگند به عهد ناگسسته

ای کارگر، ای رفیق خسته

تنها ره رستگاری ما

اندر گرو یگانگی هاست

دشمن ز چنین یگانگی ها

آزرده و دلتنگ

تلخ است ور کام.

البته چه بهتر.

از بهر سلامت رفیقان

از تلخی جور این زمانه

وحدت بودش دوا و درمان

این است یگانه راه چاره.

گر متحد و یگانه باشیم

کس قدرت دشمنی ندارد

روزت همه روز آفتابی است

یاران به سلامتند و خرسند.

محمد حسین خوان یغما

۱۵۰ هزار میلیارد فراری از مالیات

در پی اعلام افزایش قیمت بنزین و حرف و حدیث‌هایی مبنی بر اینکه دولت با منابع حاصل از آن می‌خواهد کسری بودجه و کمبود درآمدهای نفتی را پوشش دهد، در سطح کارشناسی این پرسش پیش آمده که در شرایط تحریم و افت شدید درآمدهای نفتی، دولت برای پوشش هزینه‌های جاری خود چه گزینه‌هایی پیش‌رو دارد؟

مسئولان دولتی با این استدلال که دولت چاره‌ای نداشت جز اینکه یارانه سوخت را حذف کند، تصمیم دولت درباره گرانی بنزین را توجیه می‌کنند؛ اما در مقابل برخی هم از این سخن می‌گویند که در روزهایی که فروش نفت با وجود تحریم‌های ظالمانه پشت درهای بسته مانده، دولت می‌تواند با اصلاح ساختار نظام مالیاتی به سراغ کسانی برود که همچنان سود حداکثری خود را از فعالیت اقتصادی می‌برند؛ اما از زیر چتر مالیاتی فراری هستند. طبق محاسبات رسمی، در حال حاضر ۵۲ درصد از ۳۰۰ هزار میلیارد کشور، پرونده مالیاتی ندارند.

دورزدن‌های مالیاتی

بحث مالیات‌گرفتن از دانه درشت‌های اقتصادی و چرخش از سمت نفت و اجتماعی کردن هزینه‌های تورم و کاهش درآمدهای خزانه، بحثی است که در اقتصاد ایران سنتی دیرینه دارد؛ اما در هر دوره و با هر نوبت بحران اقتصادی (تورمی، ارزی، رکودی، تحریم) اگرچه این شیوه گذران اقتصاد یک کشور در میان صاحب‌نظران قوت داشته؛ اما تاکنون نتوانسته به دستور کار دولت‌ها تبدیل شود. یک کارشناس اقتصادی با تأکید بر اینکه ۵۲ درصد از ۳۰۰ هزار میلیارد کشور پرونده مالیاتی ندارند، می‌گوید: در این کشور باید دلالان و پزشکان و وکلا مالیات دهند که درآمدهای راحت و بالا دارند؛ اما در حال حاضر بار مالیات کشور روی کارگران و کارمندان است. دولت می‌توانست اگر کسری بودجه دارد، مسیر و روش دریافت مالیات به ویژه از سرمایه‌داران را اصلاح کند و در این صورت به نظر می‌رسد دیگر نیازی به

گران کردن یکباره بنزین نبود. بررسی نشان می‌دهد که درآمد دولت از محل افزایش قیمت بنزین به گفته رییس سازمان برنامه و بودجه چیزی حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان در سال است. این در حالی است که دولت اگر با رصد تراکنش‌های بانکی به مقابله با فرار مالیاتی می‌پرداخت، به ادعای سازمان امور مالیاتی درآمدی ۴۰ هزار میلیارد تومانی را در پی داشت؛ اما هرگاه این مسئله مطرح می‌شود، دولت با ادعای آنکه نمی‌خواهد در حساب مردم سرکشی کند، از اجرای آن سر باز می‌زند. برای مثال حسن روحانی گفته است: «من هم برایم خیلی سخت بود که اجازه بدهم در زندگی مردم سرک بکشیم. من همیشه از اول دولت یازدهم تاکنون با سرک کشیدن در مسائل مالی و زندگی خصوصی مردم مخالفت کرده‌ام». از طرفی دولت در چند سال گذشته می‌توانست با حذف معافیت‌های غیرضروری مانند معافیت سود سپرده‌ها، برخی معافیت‌ها در مناطق آزاد، معافیت بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و همچنین با قانونی کردن و اجرای مالیات‌هایی مانند مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات بر مجموع درآمد، چندین هزار میلیارد تومان درآمد به دست بیاورد و کسری بودجه خود را جبران کند. بررسی‌های کارشناسانه نشان می‌دهد اگر هدف دولت از افزایش قیمت بنزین، افزایش درآمد بوده است، نمی‌توان مطمئن بود با این تصمیم به هدف خود برسد. همچنان که سینا احدیان، کارشناس اقتصادی که در نشست «وضعیت پرداخت مالیات در صنعت کشور» سخن می‌گفت، درباره وضعیت صنعت در اقتصاد ایران توضیح داد: سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی، ۱۲ درصد است؛ اما صنعت به تنهایی ۶۱ درصد مالیات کشور را پرداخت می‌کند. در دنیا این روند برعکس است.

کارشناسان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک بر این باورند که دولت نمی‌خواهد سرمایه داری مافیایی را از خود برنجاند و دست در جیب زحمتکشان کرده است و گرنه با گرفتن مالیات از ثروتمندان و یا مالیات بر سیگار می‌تواند رقمی ۳۰ هزار میلیاردی را بدست بیاورد.

راستی زندگی بعضی وقت ها چه مفهومی دارد؟

در منطقه ۲۲ پیمانکار شرکت آب و فاضلاب در حال حفاری سیستم فاضلاب است. کارگران شاغل در این پروژه از اهالی کشور همسایه و همکیش افغانستان هستند که در شرایط ناگواری توسط پیمانکار به کار گرفته شده اند بدون کوچکترین امکانات رفاهی. در این میان شرایط کاری کارگر نگهبان از همه بدتر است. او مجبور است در سرمای منطقه ۲۲ که به نظر ساکنین متمول آن خوش آب و هواست از ابتدای غروب تا فردا صبح بدون کوچکترین امکاناتی نگهبانی بدهد تنها وسیله رفاهی او یک عدد مبل شکسته و یک عدد پتوی نخ نماست و اگر پیدا کند مقداری خس و خاشاک برای آتش روشن کردن است. آیا قانون برای این گونه کارها از جمله نگهبانی در کارگاههای موقت در فضای آزاد چه پیش بینی هایی کرده است. با یک نگاه انسانی می توان حداقل امکانات زیر را در نظر گرفت: ۱- حداقل نگهبانها باید دو نفر باشند و ساعات نگهبانی را به صورت شیفت های دوساعته تقسیم کرد ۲- لباس مناسب سرما و باران و برف برای نگهبانها تهیه کرد ۳- برای ساعت استراحت حداقل یک چادر کوچک پیک نیک با تخت چوبی یا دو عدد پالت چوبی با زیرانداز و روانداز و یک وسیله تولید گرما و حداقل یک پرس شام گرم در نظر گرفت. اوایل شب است پتوی مندرس را دور خود پچیده است و در روی مبل شکسته در فضای باز پیاده رو مشغول چرت زدن است امکانات ناچیزی از خانه برایش می برمی سلام کرده و کنارش می نشینم. این کارها را برای برقراری ارتباط انجام میدهم. متوجه می شوم کارگر روزمزد است. روزها در جایی دیگر کارگری می کند و شبها نیز در این شرایط نگهبانی می دهد تا پولی در بیاورد. هم خرج خودش را در ایران تامین کند و هم پولی برای خانواده اش به افغانستان بفرستد. چند تکه نان بربری بیات مقدار کمی پنیر و دو عدد گوجه فرنگی لهیده، شام او در این شرایط بود.

راستی زندگی بعضی وقت ها چه مفهومی دارد؟

محمدتقی مطیعی عضو هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران فلزکارمکانیک



الهام اصغری شناگر ایرانی توانست در مدت ۵ ساعت و ۲ دقیقه با یک دسته بسته ۱۰ کیلومتر دهانه خلیج چابهار را شنا کند و رکورد جهانی این رشته در گینس را بشکند.

فارغ این رکورد غرور آفرین الهام اصغری ثابت کرد که حتا در شرایط بد اقتصادی و اجتماعی زنان می توانند قدرتمند ظاهر بشوند. او نماد زنی است که به مشکلات سر خم نمی کند.

دروود و افتخار به این دختر ایران زمین.

ویژگی سیاسی سرمایه مالی برگرفته از کتاب سرمایه مالی رودلف هینفردینگ (متن انگلیسی صفحه ۳۳۴-۳۳۶)

ایدئولوژی سرمایه مالی به کلی مخالف لیبرالیسم است. سرمایه مالی خواهان آزادی نیست بلکه خواهان سلطه است. سرمایه مالی به آزادی افراد سرمایه دار واقعی نمی نهد بلکه خواهان تابعیت آنهاست. سرمایه مالی از آنارشی (بی نظمی) رقابت نفرت دارد و خواهان نظم و سازمان یابی است، گرچه برای برقراری رقابت در سطحی باز هم بالاتر. اما برای دستیابی به این اهداف و برای حفظ و ارتقا موضع برتر خود به دولتی نیاز دارد تا هم از بازار داخلی آن با بستن تعرفه‌های گمرکی دفاع کند و هم بتواند بازارهای خارجی را تسخیر کند.

سرمایه مالی به دولت از نظر سیاسی چنان قدرتمندی نیاز دارد که در سیاست‌های تجاری اش توجهی به منافع متضاد دیگر کشورها نداشته باشد، دولت چنان قدرتمندی که احترام و تمکین به منافع سرمایه مالی اش در خارج را تضمین کند و با استفاده از قدرت سیاسی اش قراردادهای موافقت‌نامه‌های پر سودی به دولت‌های ضعیف‌تر تحمیل کند، دولتی که بتواند در هر گوشه‌ای از جهان دخالت کند و تمامی جهان را به فضا و محلی برای سرمایه‌گذاری سرمایه‌های مالی اش تبدیل کند. و بالاخره سرمایه مالی به دولتی چنان قدرتمند نیاز دارد که سیاستی توسعه طلبانه در پیش گرفته و مناطق نفوذ تازه تری بدست آورد. لیبرالیسم مخالف کاربرد زور در روابط بین‌المللی و خواهان تضمین حاکمیت خود علیه نیروهای کهن یعنی اشرافیت و دیوان‌سالاری و دخالت حداقلی آنان در قدرت دولتی بود، در حالیکه سرمایه مالی خواهان

کاربرد حداکثر زور سیاسی و نظامی برای سلطه قدرتمندترین دولت ها بر مهمترین بازارها با هدف بدست آوردن سودهای انحصاری است

سیاستهای توسعه طلبانه سرمایه مالی، کل جهان بینی سرمایه داری را زیر و رو می‌کند و از صلح جویی و بشر دوستی به کلی دور می‌کند. سرمایه داری پیشین طرفدار تجارت آزاد، تجارت آزاد نه تنها به عنوان بهترین سیاست اقتصادی بلکه بعنوان سرآغاز داورانی از صلح نگاه میکرد [کانت]. سرمایه مالی مدت های طولانی است که این فکر را به دور ریخته است. او هیچ باوری به همسازی و هماهنگی منافع سرمایه داران ندارد و خوب میداند که رقابت بطور فزاینده ای به مبارزه و جنگ قدرت سیاسی تبدیل شده است. سرمایه مالی ایده آل صلح جهانی خود را از دست داده است و جای انسان دوستی را عظمت طلبی و قدرت طلبی حکومتی میگیرد.

دولت مدرن بعنوان تحقق آرزوی وحدت ملی ظاهر شد. ایده ملی که طبق قانون اساسی حدود طبیعی کشور بر پایه ایجاد ملت به وجود آمد، به این دلیل حق دیگر ملل به عنوان دولت های مستقل را به رسمیت می شناخت و از این رو کشورهای دیگر را با مرزهای طبیعی به رسمیت می شناخت، اکنون به این فکر تبدیل شده است که یک ملت خود را برتر از دیگر ملت ها بداند. شیوه تفکر اکنون عبارت از این است که یک کشور بر کل جهان تسلط پیدا کند. چنین ایده ای به همان اندازه محدودیت ناپذیر است که حرص و آز سرمایه دار برای کسب سود حد و مرز نمی‌شناسد. سرمایه، کشورگشای تمام جهان می شود و هر کشوری را که تسخیر میکند مرز های جدیدی به وجود می آورد که باید از آن هم بگذرد. این تلاشها به یک الزام و ضرورت اقتصادی بدل میشود چرا که هر شکستی در این سیاستها، سود سرمایه و قابلیت رقابت سرمایه مالی را کمتر می‌کند..... گرچه کل این فعالیت ها پایه اقتصادی دارند اما نیاز به توجیه ایدئولوژیک دارند. آنها با مسخ ایده ملی، برای دیگر ملت ها حق تعیین سرنوشت و استقلال قائل نیستند و باور به دموکراسی و برابری همه

اعضای جامعه بشری را کنار گذاشته به جای آن امتیاز اقتصادی انحصاری به صورت موقعیت برتر یک کشور بعنوان ملت برگزیده ظاهر میشود. از آنجا که سلطه بر دیگر کشورها از طریق زور بدست می‌آید... یعنی از طریق کاملاً طبیعی!! از دیدگاه دولت سلطه گر، چنین سلطه گری ای بخاطر داشتن ویژگی های طبیعی مخصوص به اوست یعنی در اثر ویژگی های نژادی اوست. از اینجاست که ایدئولوژی نژادپرستی در پوشش علوم طبیعی ظاهر میشود، که چیزی نیست جز توجیه شهوت سرمایه مالی برای قدرت، شهوتی که از این طریق بعنوان پدیده‌ای با خصوصیت و ضرورت طبیعی نشان داده می‌شود.

در حالیکه چنین ایده‌آلی در مورد سیاست بین‌المللی بنظر میرسد که کل آحاد کشور را فرا می‌گیرد اما در سیاست داخلی با تأکید بر دیدگاه هیات حاکمه در برابر طبقه کارگر دگرگون می‌شود. به طور همزمان با افزایش قدرت طبقه کارگر، تلاش سرمایه برای افزایش و تشدید قدرت دولت بعنوان ستونی در برابر کارگران نیز شدت می‌گیرد. بدین سان ایدئولوژی امپریالیسم روی خرابه های ایده آل های لیبرالی گذشته که امپریالیسم آنها را به مسخره می‌گیرد، پا می‌گیرد. در دنیای سخت مبارزات امپریالیستی که برتری نظامی و اسلحه حرف اول را می‌زند، باور داشتن به هماهنگی منافع چه تخیل توخالی است. چه تخیل بیمعنایی است موعظه حاکمیت صلح دائمی [کانت] و رعایت قوانین بین‌المللی در جایی که فقط زور و برتری قدرت سرنوشت مردم را تعیین میکند. چه احمقانه است دفاع از گسترش حاکمیت قانون در درون هر کشور و میان کشورها چرا که این تخیل انسان گرا بر سر راه سرمایه اختلال ایجاد کرده و کارگران را به یک مشکل تبدیل میکند که دیگر نمی‌توان از آنها کار بردگی کشید.

دست ها از اندوخته کارگران کوتاه!

باز هم دست کردن در جیب زحمتکشان و خالی کردن اندوخته های صندوق تامین اجتماعی و بعد مدعی بودن اینکه صندوق تامین اجتماعی در حال ورشکسته شدن است. به گزارش روزنامه شهروند پول ویلموتس مربی تیم ملی فوتبال را هلدینگ شستا پرداخت کرد. متن خبر چنین است:

❖ با تلاش و پیگیری های وزیر ورزش و مساعدت دولت و معاون اول رئیس جمهوری، پول ویلموتس و دستیارانش از طریق هلدینگ اقتصادی شستا متعلق به سازمان تامین اجتماعی در کشور ترکیه به حساب این مربی واریز شد.

❖ مبلغ قرارداد ویلموتس چیزی بین ۱،۶ تا ۱،۸ میلیون یورو است.

ما در دو شماره قبل ماهنامه پیام سندیکا هم مطلبی در مورد دستبرد به اندوخته های کارگران در تامین اجتماعی نوشته بودیم.

«به نوشته روزنامه جوان ۲۵ مهر، نفتکش ایرانی اصابت دیده از موشک، متعلق به شستا و جزو اندوخته های زحمتکشان در تامین اجتماعی است. سوال این است آیا این کشتی بیمه بوده است؟ و مبلغ بیمه اش چه میزان می باشد؟ آیا این مبلغ بیمه، کفاف هزینه های تعمیراتی اش را می دهد؟ و اگر بیمه نداشته مسوول این خسارت وارده به اموال زحمتکشان چه مقامی است؟»

به دستور چه کسی اینگونه به صندوق های بازنشستگی دستبرد می زنند؟ آیا این برداشت ها جایگزین خواهد شد؟؟ علت عدم اجرای قانون " ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی " مصوب سال ۸۳ چه می باشد و زیان های ناشی از تاخیر اجرای این قانون چگونه جبران می شود؟ قانونی که نظارت بر صندوق های بازنشستگی داشته و حتا توسط شورای نگهبان هم مورد تایید قرار گرفته و به دولت ابلاغ گردیده است اما مافیا از اجرای آن جلوگیری کرده است.

آبرِ بدهکاری در آسمانِ تامین اجتماعی باریدن گرفت

اولین ماراتن فروش اموال سازمان آغاز شد

سازمان تامین اجتماعی برای فروش ۴۳ دستگاه آپارتمان، ۴ باب مغازه، ۱۷ قطعه زمین، ۲ باب انبار، ۲ باب ساختمان و ۱ کارخانه خود آماده شده است؛ چرا که بزرگترین بدهکارش یعنی دولت همچنان به پرداخت بدهی کلانش بی‌اعتناست.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تامین اجتماعی» آگهی مزایده عمومی املاک و مستغلات شرکت‌های تابعه خود را منتشر کرد. در فهرستی که «شستا» منتشر کرده، ۶۹ مورد برای فروش وجود دارند که شامل زمین، انبار، آپارتمان، ساختمان، کارخانه و مغازه می‌شوند. قرار است مزایده فروش این اموال در تاریخ ۲۸ و ۲۹ دی ماه در «سالن تلاش» وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شود.

پیشتر خبرهایی از آمادگی سازمان تامین اجتماعی برای فروش بخشی از املاک و مستغلات منتشر شده بود. این نهاد عمومی غیردولتی مدعی است که مواردی که آماده فروش شده‌اند، مازاد هستند و سازمان دیگر از آنها استفاده‌ای ندارد؛ آنهم در شرایطی که سازمان تامین اجتماعی بالغ بر ۴۰ هزار میلیارد تومان به سیستم بانکی بدهکار است و به گفته «مصطفی سالاری» مدیرعامل این نهاد، در سال ۹۸ در هر ماه بین ۹ هزار و ۲۰۰ تا ۹ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان هزینه یا به بیان علمی، مصارف دارد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران آموخته است:

از اواخر قرن هجدهم، اولین سازمان های اقتصادی کارگری پدید می آید. این سازمانها ابتدا به صورت صندوق تعاون و کمک متقابل، صندوق کمک به بیماران و نظایر اینها را دارد. کارگران که مورد کمترین حمایت دولت بورژوازی و طبقه بورژوا نیستند، احساس می کنند که لافل خود باید حامی خویش باشند و در روزگار سختی به کمک هم بشتابند و این کار را نه به صورت تصادف و دلخواه، بلکه بصورت سازمان یافته و از طریق صندوق تعاون انجام دهند. با گذشت زمان طبقه کارگر در عمل در می یابد که این گونه سازمان های کمک متقابل جوابگوی نیازمندی های او نیست و باید سازمان های مبارز و پیکارجوی طبقاتی ایجاد کرد. روشن است که این آگاهی نیز به سرعت و در یک آن بدست نمی آید. حاصل تجربه تلخ مبارزه طبقاتی است. این مبارزه ابتدا صندوق های کمک متقابل (همیاری) کارگری را مجبور می کند که در دیگر امور کارگری، در مناسبات کارگر و سرمایه دار نیز دخالت نموده از کارگر حمایت کنند و سپس گسترش مبارزه طبقاتی نشان میدهد که باید اساس صندوق های تعاونی را تغییر داد و سندیکاها و اتحادیه های کارگری بوجود آورد که از حقوق صنفی کارگران در برابر سرمایه داران دفاع کند. سندیکاهای کارگری در اواخر قرن هژدهم ابتدا در انگلستان و سپس در فرانسه و آلمان تشکیل می شوند و در آغاز قرن نوزدهم به سرعت گسترش می یابند.

◆ جنبش کارگری، همزاد سرمایه داری و همزاد طبقه کارگر است. از همان روزی که کارگر مزدور پدید آمد و از جانب سرمایه دار استثمارشد، نبرد کار و سرمایه نیز آغاز شده است و به همان نسبت که سرمایه داری رشد کرده، طبقه کارگر و به دنبال آن جنبش کارگری نیز از نظر کمی و کیفی تکامل یافته است.

در آغاز مبارزه، کارگران هنوز به آن حد از رشد فکری نرسیده اند که به مثابه یک طبقه در برابر بورژوازی صف بکشند. آنان توده های پراکنده ای هستند که چه بسا از دهات به شهرها می ریزند و میان خود در رقابتند و هر بار که از سختی معیشت جانیشان به لب می رسد، می شورند و گاه ماشین های کارخانه را هم می شکنند. با رشد مبارزات صنفی و سیاسی آگاهی طبقه کارگر رشد می کند. کارگران وحدت منافع خود و ضرورت تشکل و اتحاد را در می یابند، شیوه های صحیح نبرد را می آموزند و آنچه را که زیان بخش است کنار می گذارند، مبارزات کارگری که جنبه شورش خودرو و ابزار خشم و یأس داشت،

رفته رفته سازمان می یابد و با برنامه و نقشه و حساب گسترش می پذیرد. اولین اعتصاب های کارگری در اواخر قرن هژدهم در کشورهای اروپای غربی پدید آمد. پیدایش اعتصاب، یعنی دست کشیدن کارگر از کار برای واداشتن سرمایه دار به پذیرش خواسته های اقتصادی نشانه پیدایش این آگاهی و یا دقیق تر بگوییم این شم و غریزه طبقاتی است که کار کارگر، پیش از آنچه برای خاطر خود او باشد بخاطر پُر کردن جیب سرمایه دار است ماشین و سرمایه بدون کارگر کار نخواهند کرد. پس کارگر می تواند با دست کشیدن از کار، سرمایه دار را تحت فشار گذارد.

مخالف سیاسی!

هنگامی که جامعه ای به دروغ گویی سازمان یافته روی آورد و دروغ گفتن تبدیل به اصل کلی شود و به دروغ گفتن در موارد استثنایی و جزئی اکتفا نکند، «صداقت» به خودی خود تبدیل به یک عمل سیاسی می شود و گوینده ی حقیقت، حتی اگر به دنبال کسب قدرت یا هیچ منفعتی دیگر هم نباشد یک کنشگر سیاسی محسوب می شود. در چنین شرایطی شما نمی توانید از سیاست کناره بگیریید و راه خود را بروید. شما ناچارید یکی از این دو راه را انتخاب کنید: یا به وزارت دروغ می پیوندید، یا یک مخالف سیاسی محسوب می شوید

◆ کانال دانش و کارگر ◆

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

۴ ماه تلاش زیست محیطی!



از ۶ شهریور سال جاری که کوهنوردی ته سیگارهای رها شده در پارک مهرشهر کرج را دید تا عنوان کردن این معضل شهری در یک نشست کوهنوردی ۴ ماه می گذرد. در این مدت پویش «ته سیگار رو با خودت ببر» توسط جمعی از کوهنوردان پایه گذاری شد و با پیوستن گروههای حامی محیط زیست در قائمشهر این پویش توانی دیگر یافت. با انتشار فعالیت های پویش در اینستاگرام، واتساپ، تلگرام پویش و همچنین ماهنامه پیام سندیکا دوستانی از تهران، ساوه، کرج نیز به این پویش پیوستند.

در بازه زمانی ۴ ماهه، دوستان فعال در پویش توانستند با مذاکره با مسولین شهرداری مهرشهر و سازمان پسماند کرج برای اولین بار در ایران در پارک مکعب مهرشهر کرج مسولین شهری را مجاب کنند تا در این پارک گلدان هایی را برای جاسیگاری مهیا کنند. جمع آوری بیش از ۲۰ کیلو ته سیگار، پخش بیش از ۵ هزار تراکت، هزاران ساعت گفتگوی چهره به چهره با مردم در مورد مضرات رها شدن ته سیگار در محیط زیست، حضور در همایش های مختلف مردمی و سخنرانی برای مردم، حضور در مراکز آموزشی برای مطلع کردن جوانان، بازدید از مرکز پسماند استان البرز (حلقه دره)، بحث و گفتگوهای بیش از ۱۰۰ ساعته با مسولین شهری برای مجاب کردن آنها جهت همکاری با پویش، گرفتن دفتری برای پویش در پارک مکعب مهرشهر، تهیه ۲۰۰ کاور با شعار پویش و چاپ و انتشار ۱۵ هزار تراکت تهیه شده توسط پویش، از سوی مسولین شهری بخشی از فعالیت های پویش ته سیگار رو با خودت ببر بوده است.

ما زنده از آنیم که آرام نگیریم

ما زنده از آنیم که آرام نگیریم

ما زنده از آنیم که آرام نگیریم

ما زنده از آنیم که آرام نگیریم

ما زنده از آنیم که آرام نگیریم

ما زنده از آنیم که آرام نگیریم



زمین زیرسیگاری نیست. نابود کننده‌ای بی‌صدا به نام، ته سیگار

آنچه تاکنون از آن غفلت شده؛ تبعات رها کردن بیش از ۲۰ میلیارد ته سیگار در محیط زندگی موجودات زنده است. به عبارت دیگر حدود هفت هزار ماده شیمیایی که به تنهایی حاوی ۷۰ ماده سرطان زا است در محل زندگی ما رها می‌شود. حدود ۱۴ درصد جمعیت بالای ۱۵ سال کشور از انواع محصولات دخانی استفاده می‌کنند. طبق برآورد وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۴۰ میلیارد نخ مصرف سالانه سیگار در کشور است. ۲۰ تا ۳۰ هزار میلیارد تومان هزینه بهداشتی و سلامتی مصرف سیگار در کشور است. طبق برآوردهای بهداشتی، هر عدد ته سیگار در صورت بارندگی حدود یک متر مربع از زمین را آلوده می‌کند. علی‌رغم جرمه سنگین رها کردن ته سیگار در کشور های پیشرفته؛ اما در ایران هنوز قانونی با ضمانت اجرایی نداریم. آموزش و اطلاع رسانی همراه با اعمال قانون می‌تواند در کاهش آسیب های زیست محیطی این معضل موثر باشد.

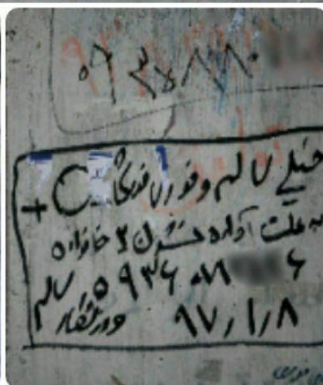
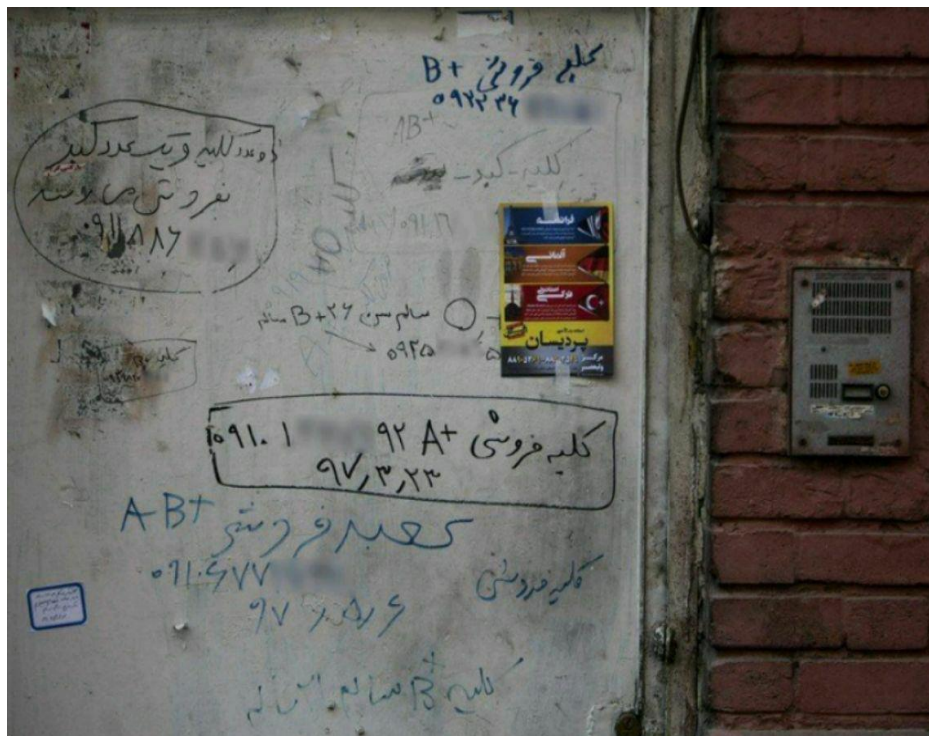
چرا سندیکاهای کارگری با نئولیبرالیسم مخالفند؟

بورس حقه بازی دیگری از نئولیبرالیسم است. تحمیل راه اندازی بورس در کشورهای رو به رشد موجب افزایش قیمت کالاها شده و به قمار بازی میدان می دهد. در حالی که جامعه به کالای وارد بورس شده احتیاج دارد نه تنها وارد چرخه مصرف نمی شود بلکه همچنان در حال معامله از انباری به انبار دیگر می رود. گاه حجم معاملات این کالا در بورس از تولید آن دهها برابر بیشتر می گردد. کالا هست اما به مصرف نمی رسد و قیمتش هر روز بالاتر می رود و همچنان معامله می شود. این در حالی است که قیمت خرید از تولید کننده همچنان پایین است و چون تولید کننده خود نمی تواند محصولش را عرضه و به دست مصرف کننده برساند هم تولید کننده و هم مصرف کننده متضرر این معاملات بورسی هستند.

مجله اکونومیست لندن در مورد بورس بازی می نویسد: بازی بورس در مورد کالاهای کشاورزی برای کشورهای پیشرفته ۱۰۰ میلیارد دلار سود سالیانه دارد. مثلن برنج در بازار داخلی ژاپن به قیمتی ۳ برابر بالاتر از قیمت جهانی و شیر در بازارهای مشترک اروپایی دو برابر بالاتر از قیمت صادراتی کشورهای در حال رشد به فروش می رسد. مزرعه داران کشورهای ثروتمند محصولات خود را به قیمتی بالاتر از قیمت جهانی فروخته در حالی که بسیاری از کشاورزان در کشورهای فقیر قیمت هایشان دو برابر پایین تر از قیمت جهانی است را بصورت تحمیل شده می پذیرند و کالاهایشان را می فروشند.

◆ کانال دانش و کارگر ◆

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک



در خیابان‌های پایتخت رقابتی بر سر فروش اعضای بدن است، جوان و پیر، زن و مرد اعضای بدنشان را به مزایده گذاشته‌اند



از شیخ هادی نجم آبادی پرسیدند: آیا موسیقی حرام است؟

گفت: آن موسیقی حرام است که از صدای کشیده شدن کفگیر بر ته دیگ
پلوی همسایه غنی برخیزد و به گوش اطفال گرسنه ی همسایه فقیر برسد.